خلط و استمرار بهشت و دوزخ در كلام اسلامی

بنيامين آبراهاموف

زهرا مهدب

اشارة:

اكثر متكلمان مسلمان (اهل سنت) معتقد به خلق غذشته بهشت و دوزخاند و مستند

گفتارشان آية ۱۳۳ سورة آل عمران و نيز احاديث بخصوص حديث معراج بيامبر(ص)

است. غذشته از آيات قرآن و احاديث خود مؤلف نيز مدعی دست پافتن به بهريان

عقلاني متعکی بر "تخویف" (اسراء/۴۰ و "ترهیب" (الباء/۹۰) قرآني است.

جمهور، قدربه و اکثر معتزله به جز ابوعلي جرباني و ابوبالحسين بصري بر این

اعتقادند که بهشت و دوزخ در آينه بعث در روز داوری خلق خواهند شد. دليل اصلی
آنان مبتنی بر هدفمendez داستان افعال خداوند است بدين گونه که جون كاركرد بهشت و

دوزخ به عنوان پایدش ممکن نيشته كه قبل از روز رستاخيز اتفاق بيفند پس بهشت و

دوزخ هنوز آفریده نشدهاند.

در رسایل کلامی به بحث استمرار بهشت و دوزخ بيش از آفرینش آنها پرداخته

* مشخصات كتاب شناسی این اثر از این فراست است:


1 پیش نویس این کتاب در همایش بین المللی قرون وسطا (International Medieval Congress) که در زوالا (Zdaly) ۲۰۰۲ در لیدز برگزار شد، فراخوان گردید.
شده است. برخی از متکلمنان مدعی ایستادگی بودن بهشت و فنا را دولتند. این قیم فهرستی
منشته. بر هفت عقیده را در باب استمرار دوزخ در کتاب خمایی (صر 131-31) اورده است. همان بخش خلق بهشت و دوزخ، قرآن در میان استدلالات دارای جایگاه مهمی است. این ستی قابل به وجود ابدیت دو هستند و سند حرفه‌ای سوره‌های ناسه، فصلت و واقع و نیز احادیث است. هر چند این تیمی و شاگردان این قیم معتقدند که
سرانجام دوزخ تابوی خواهد شد و هیچ‌چیزی از ذات خدا و انسان را ذرم ارائه می‌دهد.
ین قیم در تأیید فنا دوزخ به‌این برگرفته از ذات خدا و انسان را نیز ارائه می‌دهند. در
پایان، یکی از مؤلفین این مقاله کمیته است تا بهره‌های اساسی مورد بحث در این موضوع را فراهم آورد و امیدوار است که تحقیقات آینده بر این بحث‌های کلاسیک
برتو پیشتری افکنند.

مقدمه
بخش عظیمی از دعوت حضرت محمد (ص) در دورهٔ نخستین تبّتش در مکه به شرح
و توصیف بهشت و دوزخ، به ترتیب دار تواب و دار عقاب، اختصاصی دارد. با یک همه،
قرآن به دو مسئله: اللف (خلق بهشت و دوزخ؟ ب) استمرار آنها صریحاً اشاره نمی‌کند. از
آغاز نیمه قرن دوم / هشتم، متکلمنان مسلمان سعی کرده‌اند با اتخاذ رویکردهای
گوناگون به این دو موضوع آن خلا را یابند. مقاله حاضر قصد دارد رویکردهای کلامی
و اسلامی به خلق و استمرار بهشت و دوزخ و نیز مبانی این رویکردها را در مفاهیم
اسلامی خدا، انسان و ساختار جهان مورد بررسی قرار دهد. اگرچه این مقاله برای
اسلامی مربوط به موضوع را ارائه می‌کند به هیچ وجه کافی و کامل نیست.

آفرینش بهشت و دوزخ
آفرینش گذشته
به عقیده‌ای اکثر اهل سنت، بهشت و دوزخ در جهان آخرت خلق نمی‌شود چراکه خداوند
قبل آن در را آفرینده است. در بخش هشتم رساله اعتقادی ایزوزریع عیدالله بن
عبدالکریم رازی (متوفی 296ق / 887م) و ابوهیات محمد بن ادرس رازی (متوفی
787ق / 990م) آمده است: «هم بهشت و هم دوزخ به راستی و وجود دارند. هر دو
مخلوق‌اند و هیچ‌گاه زوال نمی‌پذیرند. بهشت پاداش اولیاء خدا است و دوزخ پاداش‌هور
خلال و استمرار بهشت و دوزخ در كلام اسلامي

اهل معصبي مگر آنکه پروپوگار بر آنان رحم آورد، اساس قرآنتی این دیدگاه در جنده آن آمده که دلایل بر آفرینش سازش بهشت و دوزخ دارد. مثلاً در قرآن، سورة آل عمران آیه 130 آمده است: "و برای نبی به آمرزش از پروپوگار خود، و بهشتی (جنة) که بهداشتی [به اندازه] آسمانها و زمین است [و] برای پرهیزگاران آماده شده است (آعدت للمتینین)، بشتایبدا. " و درباره دوزخ قرآن در سورة آل عمران آیه 131 بیان می‌دارد: "و از آتشین (النار) که برای کاروان آماده شده است، مردید. "اهل سنت عبارت "آماده شده است" را به معنی "قابل آفریده شده" تفسیر می‌کنند. علاوه بر این آيات، آیات دیگری نیز به ما می‌گوید که خداوند به آدم امر کرد، در جن سکونت اختیار کند (بقره 3/25) و این که در جنی که به وی داده شده، به‌گروه‌های متنوع و به‌هم ایزکه در آن جا به‌نشانه می‌گردد و نه آقایان رزید" (طه 119). این توصیف باعث این جهانی نیست بلکه وصف بهشت است. عضدالدین ایجی، متقیم اشعری

1. الإرفاش همین الله عن الحسن الایمانی، شرح اصول اعتقادات اهل السنة و الموسوعه من الكتب والنساء، مکه، 1420هـ / 1941م، ص 165.


2. جقر، ص 165.

ابن دیده‌گاه مانندی به‌نیاز به‌زندی، کتاب اصول الفاظ، ص 165.

ابن دیده‌گاه مانندی به‌نیاز به‌زندی، کتاب اصول الفاظ، ص 165.


3. حرم می، کتاب الارکان از تراول الادله، ص 119، 119.
مانند آنچه از آن سوال که ایا جنت همان بخش است یا خیر، به حبیط حساب ارتباط دارد، از خواهان به جنگی تالا دیدگاه‌های مختلف را توضیح دهم. قرآن می‌گوید که خداوند بِه آدم و همسر م来回ند تا در جنت جای گزیند. بعد از آنکه آن در نافع مانی خداکردن، خداوند به آنان امر کرد که مجازاتنشان این است که از جنگ نزول کنند و این به این معناست که آنان از آسمان به زمین هیبو کردن. و جنگ در آسمان ناب ای، به همان‌طور که آن یک باغ عادی و نعمت‌طلب نیست، از این رو، با ورد همان [بهشت باشد. گذشت از آن، این حقیقت که وژه‌گنج (نظراً به معنی باغ) در بخش آدم و حوا به یک حرف تعیین نوشته شده است نشان می‌دهد که آن، بهشتی است که در قرآن با عنوان‌های آمده است. این قطیع حديثی را نقل می‌کند مبنی بر اینکه موسی [ع] آدم را به سبب ارتباط‌گذار در جنت سرزمین کرد و گفت هدایه است: "تو مای خود را از جنت خارج ساختی". این حقیقت که موسی [ع] خود و دیگران را ذکر کرده ادیب می‌کند که جنت مورد بحث همان بهشت است.

1. قرآن نامی از جنگ نمی‌برد فقط می‌گوید همسر آدم (برای نمونه که بی پرده) ۳۳.
2. انجی، خطای‌های علم الکلام، مکتبتی بهتری، فرهاد، حمایت، ص ۳۷۰، ۳۷۳، ۳۷۱ می‌گوید، ص ۲۳۳.
3. حمایت، ص ۳۱. حمایت، ص ۳۱.
4. حمایت، ص ۳۱. حمایت، ص ۳۱.
همنجنین این قیمت استدلالاتی در رد یکی بودن جنوت با بهشت آرایه می‌دهد که این و اساس آن عبارت است از تفاوت‌هایی که خداوند در توصیف از بهشت و جنوت به‌دست داده است. خداوند بهشت را "جنت آنجاد" توصیف می‌کند، ولی ادم به صورت جادوی در جنوت باق‌مانده. ۱ علاوه بر آن، بهشت دار تواب است نه دار تکلیف، حال آن‌که در جنوت خداوند به‌آدم امر کرد تا به فلان درخت مشخص نزدیک نشود. ۲ اضافه بر این، آدم و حوا تصویر کردن و در تنیجه از خداوند ترسبندان و آن‌ها هیچ شبدند. لکن، در بهشت نشانه‌ای از عضای، خواف و خنثی نیست. گذشته‌اش از آن، وجود شیطان که آدم‌مان را می‌فریبد در مکان‌هاک و می‌پرده جهن بهشت غیرقابل تصور است. خلاصه این‌که، ذات بهشت با جنوت متفاوت است، از این‌رو آنها در جزی مجزایند ۳.

در کتاب براهین مذکور، براهینی در تایید یکی بودن بهشت و جنوت اقامه‌اش شده است. این قیمت، خاطرنشان می‌سازد، اینکه بهشت سرای ابدی است احتمال اقامه‌اش واقعی را رده‌نمی‌کند. ۳ ولی در تایید این دیدگاه حديثی را نقل می‌کند که مطابق آن پیامبر (ص) در شب مجازکار وارد بهشت شد؛ طبعاً این دخول، اقامه‌ای در بهشت که در رستاخیز اتفاق خواهد افتاد، نیست. میان بهشت قبل از رستاخیز و بهشت بعد از رستاخیز تفاوت‌هایی هستند؛ در بهشت بعد از رستاخیز وضع تکلیف، عضای، نادرمیانی، بیم و خون وجود ندارد. به عبارت دیگر، هنگامی که مؤمنان وارد بهشت می‌شوند، برخی از خصوصیات آن دگرگون می‌شوند. ۴

از احادیث نیز بر می آید که بهشت و دوزخ در گذشت‌های خلق شده‌اند. بر طبق برخی از این احادیث [حضرت محمد (ص) دوزخان و بهشتینان را دیده است و به مردگان جایگاه‌هاشان را در بهشت یا دوزخ نشان می‌داده است. ثانیاً جانانکه گفتیم پیامبر (ص)] در صعود به آسمان بهشت و دوزخ را دیده و شهادت داده که به بهشت وارد شده است. ۵ همچنین احادیث به ما می‌گویند که روح مؤمن مرغی است که بر درخت بهشت

---

2. ۲ همان، ص. ۱۰۸ به بعد، مربوط (د) ۳. ۳ همان، ص. ۱۰۸ به بعد، مربوط (د) ۴. ۴ مهمان، ص. ۱۰۸ به بعد، مربوط (د) ۵. این احادیث مسلمانان و حضرت محمد (ص) در بین بیشتر آنها و نادرمیانی، بیم و خون وجود ندارد. به عبارت دیگر، هنگامی که مؤمنان وارد بهشت می‌شوند، برخی از خصوصیات آن دگرگون می‌شوند. ۶. ۶ همچنین احادیث به ما می‌گویند که روح مؤمن مرغی است که بر درخت بهشت
جایی که مثابه‌های زمانی که خداوند آن را در رستاخیز به بدنش یا زندگی‌دانه. مطالب حدیث دیگری، هنگامی که آدمی می‌بهرد، جایگاه‌ها در بهشت یا زندگی بهشت و نزدیک‌ترین دانش‌دانه، شاید چنین احتمالی که نشان می‌دهد بهشت و رستاخیز، حیث از رستاخیز دانش‌دانه‌ها، ناظر به این دعوی معتزله‌ها و شهید به چون وجود فعلی بهشت و رستاخیز هیچ‌چیز فاقد های ندارد، آنها در روز حشره به وجود خواهند آمد.

علاوه بر آیات قرآن و احادیث که از افقومینیزی که بهشت و رستاخیز سخن می‌راند، من به برهمای عقلانی دست یافته‌ام که بعنوان بر اخلاق (اسراء / ۶۰) و (ترجمه) (نبیها / ۹۰) قرآنی است. خداوند بیان انسان را از زندگی و رستاخیز راه بیشتر برعکس انجام داد نمی‌توان بی‌پیچ و بی‌پرس انسانی را از آن است. سمرفندی این عقیده معتقدی که خداوند بدون هدف عمل نمی‌کند و تمام افعالش به فن انسان است و اینکه آدمی می‌تواند مقادیر الهی را بداند، استفاده نظر آن را در باب خلق آینده بهشت و زندگی را کند. وی همجان همه‌انگار محتمل معتقدی اشکاله می‌کند و می‌گوید که اگر بهشت و زندگی اکنون معدودن، شهادت (جمع آن اشیاء) و این‌ها خذا می‌تواند با ذکر آنها و عده و وعید دهد. به نظر وی معدود شیء نیست و بهشت و رستاخیز شیء‌اند جرایم آنها موجودند.

---

1. ابن فضیل، حداد، ص ۲۰.
2. در اثبات فعل «زکه» ذکر نشده اما مصدر آن، «زکه‌ای» است.
3. در قریب این واقع، کتاب تجدیده‌ای ساخت.


5. مؤلف سمرفندی، شرح الفقه الأسطر ابتدای جهیم، تصویب و شرح در کتاب النبی.

8. به علت معتقدی معدوم مسکن، منیه خلقیه، ذات، عن، است. [زرک]
خلق و استمرار بهشت و دوزخ در کلام اسلامی

آفرینش آیاده

جهانی، قدرتی، و اکثر معنی‌هایی به جز ایبوعلی جایی (متوفی ۱۳۰۳ ق/ ۱۵۱۵ م) و ایواحالحسن
به‌صرفه (متوفی ۱۳۳۶ ق/ ۱۴۳۴ م) معتقدند که بهشت و دوزخ در روز دوباره خلق
خواهند شد. ۱ دلیل اصلی و اساسی آنان برگرفته از این عقیده است که خداوند همیشه
حکیماته عمل می‌کند و در این مورد نیز به نفع انسان عمل می‌نماید. در اینجا هم چون
بهشت و دوزخ برای این است که به عنوان پاداش و عقاب به کارآمد و این امر امکان
ندارد که قبل از رستاخیز اتفاق بینفند. بنابراین چنین افکار کنیم که بهشت و دوزخ هر چه
آفرینند می‌گویند که فرض کنیم پادشاهی سرایی ساخته و تمام اسباب و اثاث
و انواع و اقسام اطعامه و اشربه را در آن فراهم آورده است، اما به مردم اجازه ی دخول در
آن را نمی‌دهد. به طور کلی این‌چنین گفته شده و در دو زمان دو اتفاق دارد (نگاه کنید به
بحث‌های بیشتری) اشاعه، نظر معتقدیه را در این اصل آنان به هدف خواهد بود. اما این بر هر چنین
بدون خدش نیست. علاوه بر آن‌چه قرار به دلیل خلق کردن بهشت و دوزخ دارد (نگاه کنید به
بحث‌های بیشتری) اشاعه، نظر معتقدیه را در این اصل آنان به هدف خواهد بود. اما این بر هر چنین
بدون خدش نیست. علاوه بر آن‌چه قرار به دلیل خلق کردن بهشت و دوزخ دارد (نگاه کنید به
بحث‌های بیشتری) اشاعه، نظر معتقدیه را در این اصل آنان به هدف خواهد بود. اما این بر هر چنین
بدون خدش نیست. علاوه بر آن‌چه قرار به دلیل خلق کردن بهشت و دوزخ دارد (نگاه کنید به
بحث‌های بیشتری) اشاعه، نظر معتقدیه را در این اصل آنان به هدف خواهد بود. اما این بر هر چنین
بدون خدش نیست. علاوه بر آن‌چه قرار به دلیل خلق کردن بهشت و دوزخ دارد (نگاه کنید به
بحث‌های بیشتری) اشاعه، نظر معتقدیه را در این اصل آنان به هدف خواهد بود. اما این بر هر چنین
بدون خدش نیست. علاوه بر آن‌چه قرار به دلیل خلق کردن بهشت و دوزخ دارد (نگاه کنید به
بحث‌های بیشتری) اشاعه، نظر معتقدیه را در این اصل آنان به هدف خواهد بود. اما این بر هر چنین
بدون خدش نیست. علاوه بر آن‌چه قرار به دلیل خلق کردن بهشت و دوزخ دارد (نگاه کنید به
بحث‌های بیشتری) اشاعه، نظر معتقدیه را در این اصل آنان به هدف خواهد بود. اما این بر هر چنین
بدون خدش نیست. علاوه بر آن‌چه قرار به دلیل خلق کردن بهشت و دوزخ دارد (نگاه کنید به
بحث‌های بیشتری) اشاعه، نظر معتقدیه را در این اصل آنان به هدف خواهد بود. اما این بر هر چنین
بدون خدش نیست. علاوه بر آن‌چه قرار به دلیل خلق کردن بهشت و دوزخ دارد (نگاه کنید به
بحث‌های بیشتری) اشاعه، نظر معتقدیه را در این اصل آنان به هدف خواهد بود. اما این بر هر چنین
بدون خدش نیست. علاوه بر آن‌چه قرار به دلیل خلق کردن بهشت و دوزخ دارد (نگاه کنید به
بحث‌های بیشتری) اشاعه، نظر معتقدیه را در این اصل آنان به هدف خواهد بود. اما این بر هر چنین
بدون خدش نیست. علاوه بر آن‌چه قرار به دلیل خلق کردن بهشت و دوزخ دارد (نگاه کنید به
بحث‌های بیشتری) اشاعه، نظر معتقدیه را در این اصل آنان به هدف خواهد بود. اما این بر هر چنین
بدون خدش نیست. علاوه بر آن‌چه قرار به دلیل خلق کردن بهشت و دوزخ دارد (نگاه کنید به
بحث‌های بیشتری) اشاعه، نظر معتقدیه را در این اصل آنان به هدف خواهد بود. اما این بر هر چنین
بدون خدش نیست. علاوه بر آن‌چه قرار به دلیل خلق کردن بهشت و دوزخ دارد (نگاه کنید به
بحث‌های بیشتری) اشاعه، نظر معتقدیه را در این اصل آنان به هدف خواهد بود. اما این بر هر چنین
بدون خدش نیست. علاوه بر آن‌چه قرار به دلیل خلق کردن بهشت و دوزخ دارد (نگاه کنید به
بحث‌های بیشتری) اشاعه، نظر معتقدیه را در این اصل آنان به هدف خواهد بود. اما این بر هر چنین
بدون خدش نیست. علاوه بر آن‌چه قرار به دلیل خلق کردن بهشت و دوزخ دارد (نگاه کنید به
بحث‌های بیشتری) اشاعه، نظر معتقدیه را در این اصل آنان به هدف خواهد بود. اما این بر هر چنین
بدون خدش نیست. علاوه بر آن‌چه قرار به دلیل خلق کردن بهشت و دوزخ دارد (نگاه کنید به
بحث‌های بیشتری) اشاعه، نظر معتقدیه را در این اصل آنان به هدف خواهد بود. اما این بر هر چنین
بدون خدش نیست. علاوه بر آن‌چه قرار به دلیل خلق کردن بهشت و دوزخ دارد (نگاه کنید به
بحث‌های بیشتری) اشاعه، نظر معتقدیه را در این اصل آنان به هدف خواهد بود. اما این بر هر چنین
بدون خدش نیست. علاوه بر آن‌چه قرار به دلیل خلق کردن بهشت و دوزخ دارد (نگاه کنید به
بحث‌های بیشتری) اشاعه، نظر معتقدیه را در این اصل آنان به هدف خواهد بود. اما این بر هر چنین
بدون خدش نیست. علاوه بر آن‌چه قرار به دلیل خلق کردن بهشت و دوزخ دارد (نگاه کنید به
بحث‌های بیشتری) اشاعه، نظر معتقدیه را در این اصل آنان به هدف خواهد بود. اما این بر هر چنین
بدون خدش نیست. علاوه بر آن‌چه قرار به دلیل خلق کردن بهشت و دوزخ دارد (نگاه کنید به
بحث‌های بیشتری) اشاعه، نظر معتقدیه را در این اصل آنان به هدف خواهد بود. اما این بر هر چنین
بدون خدش نیست. علاوه بر آن‌چه قرار به دلیل خلق کردن بهشت و دوزخ دارد (نگاه کنید به
بحث‌های بیشتری) اشاعه، نظر معتقدیه را در این اصل آنان به هدف خواهد بود. اما این بر هر چنین
بدون خدش نیست. علاوه بر آن‌چه قرار به دلیل خلق کردن بهشت و دوزخ دارد (نگاه کنید به
بحث‌های بیشتری) اشاعه، نظر معتقدیه را در این اصل آنان به هدف خواهد بود. اما این بر هر چنین
بدون خدش نیست. علاوه بر آن‌چه قرار به دلیل خلق کردن بهشت و دوزخ دارد (نگاه کنید به
بحث‌های بیشتری) اشاعه، نظر معتقدیه را در این اصل آنان به هدف خواهد بود. اما این بر هر چنین
بدون خدش نیست. علاوه بر آن‌چه قرار به دلیل خلق کردن بهشت و دوزخ دارد (نگاه کنید به
بحث‌های بیشتری) اشاعه، نظر معتقدیه را در این اصل آنان به هدف خواهد بود. اما این بر هر چنین
بدون خدش نیست. علاوه بر آن‌چه قرار به دلیل خلق کردن بهشت و دوزخ دارد (نگاه کنید به
بحث‌های بیشتری) اشاعه، نظر معتقدیه را در این اصل آنان به هدف خواهد بود. اما این بر هر چنین
بدون خدش نیست. علاو...
خذامت؟ بل هي أين ترتيب، حتى أجر كسي ابن إصل معتزلة را قبره كند بابيد آفرینش
غذشت بهشت و دروزخ و را نذير.

الذين في حماية آفرینش آلّدة بهشت و دوزخ برخيمن عقلاني استفاده مي كند هي
عند ابن سليمان معتزلة (متوفى 250 ميل 864 م) إذا أين إرائه كرد 2. أيا با استفاده از برزان
قسمت" ياء (تقصيم) به مكان بهشت و دوزخ اشارة مي كند. أگر بهشت و دوزخ وجهود
دشت باشد ياد "عالم أفلاك" است يا دار عالم عناصر جهانی (آتش، باد، آب و خاک)
بر هی ای به دنیا و عالم أفلاک رسخوند گذاشته کند. آنها نیبیوندند؛ احتمال
و با در عالمی دگر. این سه احتمال به یا به اساس است. چرا که امروز احتمال
یا پیوست گذشت به هیچ را نیم توانيد به عالم أفلاک رسخوند در آنها.
در نتیجه به عقیده تناصیف اروح اشارة دارد (عقیدهای که هیل ستنت گناه را رد کرده
بود) زیرا اروح ها به بهشت و دوزخ منتقل می شوند بعد از ترک احساس دان بعنصر
بست و متشدد خواهد شد؟ و سرانجام جسم أفلاکی بمست و سفالی است. اگر عالم
دگری وجود داشته باشد، آن عالم نیز أفلاکی خواهد بود و مسلمان و وجود "خلاء" است
که مفهومی باطل است.

طبق طبقه ای ای، ایوحاشم جابی (متوفی 321 ميل 933 م) نیز از تناصیف ظاهری میان
دو آئین آیین نتیجه می گیرد که بهشت و دوزخ هنوز آفرینش نشده است. قرآن در سوره
بعد آئین 125 می فرماید: "بهشتی که به متفکران وعده داده شده جهان است که نهور با زیر
درختان جاری است و مکالات مهیمی (اکلها دائم) و سایه ای آن برقرار است. این
بهشت سرانجام اهل نفوذ و آتش دوزخ فرجام کاران است". جمله "اکلها دائم
(مکالات مهیمی است)" با این بیان قرآن در سوره "قصص آیه 98" می فرماید: "کل
شي هالک آب چوبه (جز ذات ای، همه جز نابود شونده است)" تناصیف دارد، زیرا اگر
بهشت وجود می داشته نعمت های دولت تام جهیزه ای به حویفیت. همچنین معتقدان به
آفرینش آلّدة بهشت و دوزخ می گویند اگر بهشت هم اکثر موجود است ضرورتاً در
روز رستاخیز بتمام ساکنان به تعلیم "آيات این شی هالک آب چوبه" (قصص /88) و

---
1. حبرز. كتاب الارض، ص. 219
2. برای دیدگاه خاص زی در ناب آئین الهی نک به مقاله بریز از نویسندگان این مفهوم
3. این توصیف را جرجانی در شرح حدود المواقف ایجی (ص. 233) ارائه کرده است.
4. عناوین و انکار اسطور در باب وجود حدا را می پذیرد. طبیعت، 121، 2002.
خلاق و استمرار بهشت و دورخ در کلام اسلامی

كل نفس ذائقة الموت» (آل عمران / 185) نابود خواهد شد. اين [نظره] اين علان نسخ نابذر و تبديل نشدنی خداوند مبین بر اين كه بهشت جایگاه ابدی اصل آن است، تناقض دارد. اين قیم از تلخی و حاتم آله آخر می کاهد و معتقد است كه اگر آيه را به معناي تحت اللطفی بگیریم آگاه بهشت و دورخ از مبانی خواهد رفت، و می گوید كه هر چيزی كه خداوند بنای آن را از پیش مقدمه فرموده، نابود خواهد شد است، بهشت و دورخ را خداوند آفریده تا جادوگر بافقی بماند، از این رو، هرگز زوال نخواهد پذیرفت. ۳ همچنین ابوهاشم بر اساس آيه ۱۳۳ آلم عمران: «و بهشت كه به‌نابایش [به‌پادر] آسمانها و زمین است» احتجاج می‌کند. این جنات عظمی تنهای بعد از فنای آسمانها و زمین قابل تصویر است. چراکه اجرام نمی‌توانند در یکدیگر نفوذ و رسوخ کنند. اصلی که مبانی این برهم قرار دارد محال به‌وجود وجود در جهان یعنی جهان گنجیونی و جنات است. به این ترتیب، جنات با آن مقیاس و میزان تنها اگر با عالم کنونی آمیخته شود قابل تصویر خواهد بود که آن هم غیر ممکن است. ۴

استمرار و فنای بهشت و دورخ

در رسایل کلامی بحث استمرار و فنای بهشت و دورخ در قیاس با بحث آفرینش آنها فضایی بسیار زیادی را به خود اختصاص داده است، جون به گمان من، بحث استمرار و فنای مسائلی می‌شود. این ماهیت اخلاقی و فلسفی مورد بحث قرار می‌دهد. به عنوان مثال، آیا اگر هماهنگ برای انسانی که در مدت زمان کوتاهی انجام داده است متحمل عقاب ابدی می‌شود؟ عده‌ای از متمکنان برای آنکه این موضوع پیچیده را روشان بازنده مبان بهشت و دورخ تماشا قابلند و مدعی اند که بهشت ابدی است در حالی که دورخ ناپذیر خواهد شد. دیگر متمکنانی که مبان مقیم و مقام فرق می‌گذارند استدلال می‌کنند که اگرچه سرانتان تمام اهل دورخ بهشت می‌روند، خود دورخ از آن نخواهد رفت.

1 این قیس، حادی، ص ۳۴، نشر المینه‌ای، مراجع مشترکه، انجام‌های اندیشگران محترم، سیروت، بهشت، ۲۵، ص ۱۲، سطور ۱۸ به بعد، ص ۱۳، سطور ۱۹ به بعد، [نیز رک.]
3 این قیس، حادی، ص ۳۶، [نیز رک.]
4 این قیس، بالافیض، ص ۳۷۶ به بعد.
اجازه بدهید برای توضیح بیجیدگی موضوع سیاهه‌ای شامل هغه عقیده در باب
استمرار دوزخ را که این قیم در کتاب، حادی (ص 1384) مطرح کرده و تیز رأی
دیگری که منکسم حقیقی، این ایبی العز (منویی 92 796 692) در شرح (جلد 2، ص
624) به بعد) آورده، معرفی کنم:
1. هرکه وارد دوزخ شود تا این بیرون نخواهد آمد. این دیدگاه معتزله و خوارج است.
2. اهل دوزخ در آنجا عقوبت می‌شوند و عاقبت، سرنشین آتشین خواهد شد و از
آن لذت خواهد برد. این نظر عرفانی این عربی (منویی 1260) است.
3. مطالب عقیده به‌رهبندین عصر بیتیمر (ص) اهل دوزخ روزه‌ایان جند عذاب
می‌بینند و سپس بخشوده می‌شوند و مردمان دیگر جای آنان را خواهد گرفت.
[حضرت] محمد (ص) نظر آنان را رد کرده (نک به بفره آیات 8180).
4. بعد از آنکه اهل دوزخ از آن بیرون آورده می‌شوند، دوزخ تپه باقی خواهد ماند
(طرنداران این دیدگاه ذکر نشده‌اند).
5. همان‌گاه جهان این امت که بهشت و دوزخ نابود خواهد شد.
6. نظر ابوبکر این است که حركات دورخیزان پایان می‌بیند.
7. مطالب برخی احادیث خداوند هرکه را که بخواهد از دوزخ بیرون می‌آورد و
می‌گذرد دورخی جند صاحبی به موجودیت خود ادامه دهد و سپس نابودش می‌سازد.
8. عقیده دیگر از آن این معنی است مبنی بر اینکه خدا هرکه را بخواهد از دورخ
بیرون می‌آورد، جنون که در احادیث هم آمده، اما آنانی را که ایمان نیاوردهند تا ابد در آن
جا باقی می‌گذرد. در ادامه، بحث از برخی از این عقاید و عقاید دیگر به میان می‌آید.

وجود ابدی

همانند بخت خلق بهشت و دوزخ، در استدلالاتی که در مورد حیات ابدی آقای شده
قرآن دارای جایگاه اصلی و مهمی است. قرآن از اینجا در بهشت و
دوزخ سخن می‌راند. به این ترتیب، به وجود ابدی بهشت و دوزخ اشاره دارد؛ این نظر
اهل سنت است. ۱ آیات بسیاری وجود دارد که این رأی را روشن می‌کند؛ در اینجا

1. بدری، اصول التنزیخ، ص 166. بدری، اصول التنزیخ، ص 166. عشیری، مسائل الإسلامیاً و اختلاف المصلیین،
تصحيح ۹۰ رینر (H. Ritter) (پیساداری، ۱۹۵۵ ص 139. این حسیم الفصل ۳ ص 5۵ به بعد.
دو آیه را می‌آوریم: قرآن در سورة نساء آیه ٥٧ می‌فرماید: «و به زودی کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته‌کرده‌اند، در بی‌هایه‌ی که از زیبیر [درختان] آن نهیده روان است در اوریم. براهمه‌ی در آن جاودانند، و در آن جا همسرانی پاکیزه‌ی دارند و آنان را در سباه‌ی ایبادار در اوریم. قرآن درباره‌ی کافرون در سورة نساء آیات ۱۴۸-۱۴۹ من فرماید: "کسانی که کفر و زیدند و ستم کردن، خدا بر آن نیست که آنان را یافترزد و به راهی هدایت کند. مگر راه جهانم که همیشه در آن جاودانند، و این [کار] برای خدا آسان است". بیگر آیات قرآنی مثل سورة فصلت آیه ۵ و واقع آیه ۳۳ از اجر بی‌پایان و خوشی ای که به اهل بهشت داده می‌شود، سخن می‌گویند. احاطه‌ی نز عقیده‌ی حیات ابdee در بهشت و دوزخ را تأیید می‌کند. بر طبق یکی از این احادیث در روز رستاخیز مرگ پیش چشم بهشتیان و دوزخیان آورده می‌شود و کشته می‌گردد، سپس به آن وعده زندگی جاودان داده می‌شود.

قرآن در سورة هود آیه ۱۰۸ آیات مذکور را تعیین می‌کند: "و اما کسانی که نیک بخت شدند، تا آسمانها و زمین برجا می‌مانند (ما دامت السموات و الأرض) در بهشت جاودانند؛ مگر آن‌ها بر پرداز دوخته‌ها (الآ ماسای رابک) [که این] بخشی است که بریدنی نیست، همین وازه‌های "ما دام، ماسای رابک" درباره‌ی تیه به خوبانه‌ی که عقب‌نشین استزم ایی در شور (همین سورة آیات ۶-۷). طبق معناً ساده‌ی آیه، بقا ی در بهشت مدامی که آسمانها و زمین به وجود خود ادامه می‌دهند، تداوم می‌یابد از این رو، این امامت سکوت ابده نیست. حیران طبیعی (متنوی ۱۰/۳۴/۵۳) مفسر و محدث، با تفسیر عبارات "مدام" به معنای ابده ابده از نظر اهل سنت مینی بر ابدهت بهشت و دوزخ جانبداری می‌کند، زیرا زمانی که اعراب می‌خواهند بیان کند که جزی تا ابده وجود دارد که می‌گويند: "ابده جزی. همیشه وجود دارد درست مثل وجود آسمانها و زمین (دام دوام السموات و الأرض) به این معنی که آن جزی همیشه وجود دارد (دام ابده). " طبیعی به پیروی از صاحب نظران معترف قدمی جهنمی قطعه (متنوی ۱۷/۱۸) ۳۷۵/۳۷۵ و ضحکاح (متنوی ۲۵/۷۲/۷۲۰) اظهار می‌دارد که ادامه استنادان در قرآن

1 عبارت "حجالدین" فيما ابدا، مثالا در این آیات: نساء/ ۱۵۵-۱۵۵، مائده/ ۱۱۹، نزهة/ ۱۰۰، کوفه/ ۹۸، تعاس/ ۸۹، مکرراً شده است.
2 احترام، هشیج ۸۰/۲۷/۳۹ سال ۱۳۸۷
3 جامع الكلام في تعليم القرآن، طبیعی ۱۳۸۷ (محدود جواب از تصویر نهایی قاهره ۱۳۷۷)، ج. ۱/۱۲۴، ص. ۷۰.
سوره هود آیه ۱۷ درباره «اهل توحید» یعنی مسلمانان مرتکب کبیر به کار می‌رود. امام ابراهیم که آنها را کهگیلویه نامید. آیات آیات ۱۷ تا ۷۷ سوره هود چنین آمده است: «و اماکسی که تبره بخت شده‌اند، در آتش، فرباد و نالهایی دارند، آن آسمانها و زمین برخاست.» در آن مانندگار خواهد بود، مگر آن‌ها پروردها بخواهد، زیرا پروردها تر همان کننده خواهد بود. طبیعی برخلاف مضمون حديثی از عبداللّه بن مسعود (میلاد ۲۳۲ هـ) بی‌پردازه عاقبت دوزخ از اهل آن تهی بعلت فنا اهداف شدند، با تکیه بر «توتر». ۳ می‌گوید که خداوند مسلمانان مرتکب کبیر را به دوزخ می‌فرستد و سپس آن را برود می‌آورد و به بهشت می‌برد. نه شاکان یا شیعان در دوزخ بقای خواهند ماند. نظرات مختلفی در باب دوزخ یا بقای گناهکاران در دوزخ وجود دارد که از یک ماه تا باقی ماه است. ۵

فنای دوزخ

به‌طور خلاصه به نظر اکثر اهل سنت بهشت و دوزخ برای همیشه وجود خواهد داشت و نهایان که امامان تاریخند تا این در دوزخ ساکنند. هر چند این تبیین می‌شود حبلی (میلاد ۹۷۴-۹۰۰ هـ) و شاگرد برجسته‌اش بینی قطع الجزویه (میلاد ۵۷۸-۵۵۸ هـ) معتقدند که سرانجام دوزخ نابود خواهد شد. ۴ در نیوک نظر آیات ۲۱ تا ۲۳ سوره هدا نبایست که به بقای اهل دوزخ اشاره دارد: «آری، جهان [از دیری] کمیگاهی بوده، [که] برای سرکنان، بازگشتگاهی است. روزگاری دراز در آن دنگه کننده!» ۵ این تبی

1 همان، ص ۷۱
2 اسیر، آن‌اکثر عصر ۱۳۴۷-۱۴۱۶ هـ، حادیه ص ۳۱۳
3 حضر متواتر امین است که این بسیاری که تعداد و راستی شان هرگونه احتمال نوافذ آنان را برکذب محلی می‌سازد به طرزی که کتیبه در کتاب‌ها، به‌عنوان مثال ادعای [حصن] [محمد (ص)] به‌کتاب» را. 
5 دیگری، جاهان عرب. ۷، پیش ۱۲، ۱۵، ۱۳۱، ۱۳۴، میلاد ۱۴۸۹/۱۴۷۸ هـ، برخ. ۲۱۲، ص ۶۲۸، ۱۰۷، ۲۱۳، ۱۳۴، ۱۳۲، ص ۶۲۲
6 محمد بن اسماعیل الاشری صمیم (امام رضیه ملکه به همراه پدری، میلاد ۱۱۸۶/۱۱۸۶ هـ، برخ. ۲۱۲، ص ۶۲۸، ۱۰۷، ۲۱۳، ۱۳۴، ۱۳۲، ص ۶۲۲
8 همان، ص ۶۴ به بعد.
خلا و استمرار بهشت و دور زایه در کلام اسلامی

با نظر به این این آیه می گوید که کسی نمی تواند با ادوار زمانی ابتدای را اندازه بگیرد و بنابراین استمرار دور زایه محدود و متناهی است. ۱. بنابراین استمرار دور زایه می گوید که آیه ۳۰ سوره نیا ۴۱ این آیه را نشان می کند و عبارت «روزگاری دراز» هم احتمال دارد که به معنی ابتدای باشد. ۲. اکنون می خواهم در تأیید [عقبه] فنا دویز به برخاها یا برخاها بردازم که ابن قیم، که خود پرویز تعیین این تیمیه است، آنها را اقام ها کرده است. این استدلالات که برگرفته از ذات خدا و انسان است، از برخاها یا برخاها یکی از آین حیث متفاوتند که برخاها مذكور اساساً مبنی بر نفاسیر آیات قرآنی و احادیثند. ابتدا باید بررسی کمی که جگاهون ابن قیم براهم شیخ سوانک رفعیانه را مطرح و چگونه آنها را رد می کند. ابن برخاها عبارتند از: ۱. ابتدای ذروز مبنی بر «اقباط» است؛ ۲. ذروز ابن ابیدت ذروز را اثبات می کند (نک به آیات پیش گفته)؛ ۳. طبق احادیث نشان دهنده مسلمان ذروز را ترک خواهند گفت ۴. عقیده به ابیدت ذروز مبنی و نمکی بر علمی ضروری است که از یامیئر [ص] به ما رسیده است؛ ۵. اعتقادات اسلامی صریحاً بیان می دارد که بهشت و ذروز ابدی است و کوچک و دیدگاه فنا را به فرقت و مذاهب نسبت می دهد: ۶. هم عقل و هم سمع ابیدت ذروز را ثابت می کند. ۷. بطور عقل خداوند بايد پاکیاز و پاداش درد و بر طبق آیات قرآن، مشارکان حتی اگر فرصت و ماجیه به آنان داده شود تربیت نخواهند کرد (انعام / ۲۷۸). این قیم این احتجاج را یکی یکی رد می کند: اما هیچ اجماعی در این موضوع وجود ندارد، زیرا این مسلمین هم در جنابه مهد و هم در زمان حال مورد نازع و منافشه بوده است.

این درست است که قرآن از بقای ابیدت مشارکان در ذروز حمایت می کند، لکن ابن جانبدار مشروط به وجود ذروز است. به عبارت دیگر، مادامکه ذروز وجود دارد مشارکان در آن ساکنان اما همین که نبوده می شود، آنان به بهشت برده خواهند شد. برخاها و مفهومانه این قیم را می توان به شرح زیر خلاصه کرد. قرآن صریحاً ابیدت ذروز را بیان نمی کند، بنابراین راه بحث باز است؛ ۲. احادیث را نیز به همین ترتیب

Abrahamov, Islamic Theology, p. 12.
می توان تفسیر کرد: گناهکاران مسلمان [بعد از عقاب] از دو زور بیرون آورده خواهند شد و مشرکان مادامی یک دو زور وجود دارد در آن باقی خواهند مانند؟ ۳۲ هیچ علم حتمی و قطعی درباره ابتدای دو زور وجود ندارد؛ ۵. یک میان این دیدگاه برخی فرقه ها که قائل به فنای هم بهشت و هم دو زورخاند و دیگرهمی که برخی از صحابه پیامبر (ص) از آن طرفداری کردهاند و ناظر به تباهی فقط دو زور است، فرق قابل شد: عابین قیم معتقد است که عقل در باب پایدارش و عقاب در جهانی که خواهد آمد به روشی کلی با ما سخت می گوید. هر چند تفاصلی با داده و پادافر از طريق سمع دانسته می شود. از این رو، در قرآن دلالین روشن و صریحی درباره جزای ابدی فرامناد می داران و دوره محدود بقعی گناهکاران مسلمان در دو زور وجود دارد. و اما نداوی یک توافق عقاب مشرکان [نزا بحث مورد مناقشته] است که باید برای آن به دنبال دلالی در قرآن برد.

حال زمانی آن است که به برهم‌های ابتهاج این قیم بیدارداری. گام نخست در برهم اول ای یک خرسید. صفت (رحمت) خداوند همچون دیگر صفات ذاتی ابتدای است و هر آن چه که از رحمت ابتدای خداوند می‌گوید که در کارائ خود امامی می‌آورد. یادبود از رحمت خداوند سرچشمه می‌گردد، بنابراین همیشه و دائمی است، در حالتی که عقاب و وجود مخلوقی است که هیچ صفتی [از صفات خداوند آن را] ایجاب و اقتضا نمی‌کند. حال، همچنان که ذات مخلوق عقاب محکوم به فنست به خصوص زمانی که وجود خارجی آن لازم دیده می‌کند، به آن ترتیب، دو زور نابود خواهد شد. این قیم برای اینها ایکه عقوبت صفت خدا نیست، ذکر می‌کند که جنین اسم با صفتی در قرآن به خدا نسبت داده نشده است، حال آن که صفت [«عفو» در آنجا آمده است. قرآن در سوره اعجاز آیه ۱۸۷ می فرماید: و [یاد کن] هنگامی را که پروردگار اعلام داشت که روز قیامت بر آنان [یهودیان] کسانی را خواهد گماشت که بیشان عذاب سخت بچشند. آری؛ پروردگار تو زود کیفر است و همو آمرزند بسیار مهربان است». البالا اینکه همین ذات انتهای دو زور را ایجاب و ابدام می‌کند. ۲. این مطلب در کلمات این قیم [یک نوع] مطرح شده است: [بهشت از مهر و رحمت خداوند نشأت گرفت] در حالتی که دو زور از قهر و غضب اش رحمت او بر قهر و خشم غایب آمده
خلق و استمرار بهشت و دوران در کلام اسلامی

وازان نیشی قربت‌ها است جهان‌که در حذیفی که سلسله‌سنده ذکر علیه سدنه به او برده‌رسته در رسید آمده است به‌این مضمون که "آن‌که تغلب غصبی". در نتیجه، انرژی می‌گردد
نمونه نمایان که چرا که تهیه‌ذاتی ضروری‌دیگر و ضروری‌دیگر مقایسه‌یا تشییع کرده. علاوه بر این، رحمت "صفت ذاتی"
خدا است بنابراین تا این‌که وجود دارد، در صورتی که قهر و غصب خداوند "صفت فاعل" است، که ممکن است معدوم شود. چون علوقبیت و عذاب که از خشم و قهر الهی نشأت
می‌گیرد به عنوان واسطه‌‌هایی برای رسیدن به یک هدف که تطهیر و ترکیب‌گنگ‌کاران و
مشترکان باشد، به کار می‌روند، قرن متقاعد حاصل شد، علیه مورد استفاده‌ای برای
این وسایل و واسطه مقصد ندارد و دیگر البته به کار نمی‌آید. این‌همین از آیه 46
سوره نحل و اگر خداوند مردم را به [سزای] ستمشابان عقاب می‌کرد، جنگ‌های بر
روی زمین باقی نمی‌گذاشت، لیکن [کیفر] آنان را گذاران و قوی معین باز پسر می‌اندازند، و
جون اجول‌اند. قره رسیدند، ساعتی آن را پس و پیش نمی‌توانند افکنند. تیزی می‌گردد که اگر
ارتفاع و رحمت الهی نبود، این چهان به حیات ادامه نمی‌داد. اگر در این چهان چنین باشد
پس در چهان که خواهد آمد و ممنو از مری و رحمت است [این چنین لطف و مهربانی
یک جقرداد زیادی است.

ابن قیم تأکید می‌کند که نیکی و احسان هدف غایب است و فراتر از آن هیچ هدف
دیگری نیست. علوقبیت تنها به عنوان واسطه‌‌هایی که تطهیر انسان‌انگاشته و شرک
است به کار می‌رود. به حکم خود آن که خودش هدف و مقصد است باید جداشان
ووجود داستن باشد. 2 تیزی متقاعد آن است که بهشت به عنوان مقصد خیر اقامتی باید تا این
وجود داستن باشد، در حالی که دوران همین که کارکرد انجام شد، از بین می‌رود.

1. ابن قیم. حادی، ص 712. 2. همایون مطافی، معرفی‌ناهید، ص 76.

در ترجیحات آبروی آمده است: اگر خدا انسان را مورد مزاوجات قرار دهد
دنورنگ تطهیر شرکان است، اگر این که هیچ‌که به آنان برای این رای در نصیر وجود دارد و این
نکته یک فرض و منفی است، نیز را

* نکته:** منطقی آن است که بهشت به عنوان مقصد خیر اقامتی باید تا این وجود داستن باشد، در حالی که دوران همین که کارکرد انجام شد، از بین می‌رود.

علاوه بر این، از دیدگاه ابن قیم در تداوم عقوبت و عذاب نه برای عقاب دهنده هیچ سودی هست و نه برای عقاب بیننده. 

ابن قیم در مسئله‌ای که به اصل عدل الهی متعتزله شاهب دارد می‌گوید که خداوند به دلیل صفت عدل عقاب کافران را بیش از این چه‌چی که مستحق آنند، افزایش نمی‌دهد. البته استدلال می‌کند که همانطور که دوره کفر محدود است عقاب نیز باید محدود باشد. اما شگفت آنکه خود متعتزله به عدللت الهی در مورد کافرانی که در دوره کافرانی استین می‌کند. شاید آنها بگوینند: بعد از آنکه به کافران در این جهان فرستی برای توهیه داده شد و آنان توهیه نکردند، حال مستحق عقاب ابدی‌اند. 

۱۷۲ و اما در باب سری‌شتن آدمی، نقطه‌ای آغاز به ثبوت در مورد خداگرایی فطری انسان آیه 

سوره اعراف است: «و هنگامی را که بروردگارت از پشت فرزندان آدم، دریه آنان را برگرفت و ایشان را بر خودشان گواه ساخت که آیا بروردگارت شما نیستم؟ گفتند: جراح گوایه دادم...»، که توسط این آیه هر انسانی فطری معتقد به خداست. به نظر می‌رسد که حديث گوایه «با یکی از معانی فطره» معنی آیه ای است که نباید به عنوان «امراً دانسته» قابلیت فطری اعتقاد به پتانسیل خداست. در نتیجه، ابن قیم فطرت را به عنوان «امراً دانسته» می‌داند. ولی احتجاج می‌کند که اگر یک چنین تمام فطری یک‌نواز به‌ویژه شکر و کفر یک نظر او موری عرضی اند از بین برود، وقوع عکس این جریان [یعنی از بین رفتند شکر و کفر به علت آن تمام فطری] احتمالی بیشتری دارد. عملکردی که «عوارت از حذف و محور کفر است و همین که این هدف حاصل شده مهر و لطف خدا بدون مانع و مخالفی شامل می‌شود، در این جاست که هیچ نیازی به دوزخ نیست و دوزخ نابود می‌شود. 

خلاصه اینکه، اگر اهداف بن این اعتقاد که بهشت و دوزخ ابده وجود دارد شایان یاد آوری است که این ترکیبی، نتیجه‌ای شعری (متفاوت ۴۳۲۱ م)، قائل است. 

1. الصفوانی، ص ۲۵۰ حادی. ص ۳۳۴. 
2. الصفوانی، سامل. در باب ابن رز در متابع محب توحید و همدان روز. 
4. ابن کتیبه، تفسیر القرآن العظیم، ۱۹۵۰-۱۹۸۰، ج ۱۱۷، ص ۲۴۲. 
5. ابن کتیبه، حادی. ص ۲۴۲ به بعد، ۳۳۸ صمعانی، رز. الکلیسیا، ص ۲۴۲. 
7. یکی از مواری دو اخ. 

درخواست به کودکی‌ها:
خلق و استمرار بهشت و دوزخ در کلام اسلامی

که از دیدگاه عقل فنای بهشت و دوزخ ممکن است اما بر طبق شرع آن دو ابتدایی نمی‌باشد. برخی از اهل سنت بر این باورند که دوزخ بعد از آنکه خدا آن را از ساختن تحلیله کرده، نابود می‌شود. معدودی از معتقدین این معتقدند که دوزخ حتی بدون اهل آن تا ابد وجود دارد.

فنای بهشت و دوزخ

سمرقن‌دی دیدگاه فنای بهشت و دوزخ را به سه گروه نسبت می‌دهد: جهانیه، قدریه، متعزله. هر چند بر طبق نظر سمرقن‌دی، متعزله این را صریحاً بیان نمی‌کند. به نظر می‌رسد این استاد درباره متعزله که معتقد به عقاب ابتدای مرتکب کننده عقل متعزله نسبت استیلی است. کسی ممکن است گمان کند که سمرقن‌دی دیدگاه متعزله

1. بمدیدی، اصول الدین، ص ۲۳۰. ۲. سطور ۹:۸. ۳. درک‌دان. ۴. این فیático مطلب بسیار جالبی درباره‌ای روایت می‌کند. ۵. هر چند بر طبق نظر سمرقن‌دی، متعزله این را صریحاً بیان نمی‌کند، به نظر می‌رسد این استاد درباره متعزله که معتقد به عقاب ابتدای مرتکب کننده عقل متعزله نسبت استیلی است. کسی ممکن است گمان کند که سمرقن‌دی دیدگاه متعزله

Abrahimov, Islamic Theology. p. 51.

2. ابن رضی در فهرستی که پیشتر آورده جهانیه عقیده بود. این را به عادل الله بیشتر یاد می‌کند. ۳. سمرقن‌دی درباره متعزله معتقد به عقاب ابتدای مرتکب کننده عقل متعزله نسبت استیلی است. کسی ممکن است گمان کند که سمرقن‌دی دیدگاه متعزله


4. این نظر در فهرستی که پیشتر آورده جهانیه عقیده بود. این را به عادل الله بیشتر یاد می‌کند.


5. سمرقن‌دی، سرود الفقه، ص ۱۷۸۶. ۶. متعزله دیدگاه‌هایی را بر برخی آیات قرآن استوار ساختن‌های برای مثل سوزن بساده آیه ۱۴ و هر که بازماند و سرود که نخور از این امر به ایمان از این بهبود که هم‌سازه در آن معلق است و بعداً از خوانده بوده و زمان‌هایی دیگر نص به اصول ربط ندارد. ص ۲۳۰. ۷. S. Schmidte (A Mu'tazilite Creed of Az-zamankhsharī), Stuttgart 1997. p. 76.
را با نظر ابروشیدر بکی دانسته است. به نظر این حزم گنهته شده که جهم، ابروشیدر و برخی از رافضان (شیعیان) معتقد به نفله بهشت و روزخانه. ۱ جهم مدعا عست که خداوند بهشت و روزخ و هر آنچه را که در آنهاست نابود خواهد ساخت و به تنهایی باقی خواهد ماند همچنان که قبل از خلقت اینگونه بود. وی ادعایش را با آیه ششم سورة حداد تأیید می‌کند که می‌فرماید: "یوم الأول و الآخر..." همچنان که «اول» کسی است که هیچ جزیی با آن نیست (کان و لاشی می‌خوره)، اینباراین آخر همچنین است. ۲ طبق نظام فاخرالدین رازی (متفکف ۶۵۰ق / ۱۲۰۱م)، جهم بر مبنای بیست و پنجم قضیه اشرافیه منفصله ای اقامت می‌کند تا فنای بهشت و روزخ را اثبات کند، بدین رابطه که: یا خدا شمار حرکات اهل بهشت و روزخ را می‌داند. یا نمی‌داند. اگر خدا حرکات و شمار آنها را می‌داند، این را نیز می‌داند که این حرکات که تعادل ثابت دارند، محدوداند. ۳ به نظر می‌رسد که ابروشیدر عالیف (متفکف ۳۴۵ق / ۸۵۰م)، پیشگاه مكتب متعتله بصره، در باب تعداد حرکات متأثر از دیدگاه جهم بوده است. ۴ اما در حالی که جهم از تعداد حکمت حرکات اهل بهشت و اهل روزخ تجربه یافت که گیرد که هر دو موجود نابود خواهد شد، تجربه ابروشیدر تعیین شد؛ فقط حرکات ساکنان متوقف خواهد شد و آنان ساکن می‌شوند، اهل بهشت همیشه لذت می‌برند و اهل روزخ همیشه در زمینه‌امام هار با جایگاهی به وجود خود آنها می‌ماند. ۵ به نظر می‌رسد که راه حل ابروشیدر برای مسئله ابتدای بهشت و روزخ مازیش و مصالحه است میان متقاضیان عقل و دین.

۱ ابن حزم، کتاب الفصل، ج. ۳، بخش ۲، ص. ۳۸.
۲ خواجه، کتاب ال_vertex، ص. ۱۸. (A. N. Nader) (M. Nyberg) (BEAT), ص. ۱۸.
۴ رازی، مفاتیح الفی، بخش ۲۳، ص. ۲۱۳، انیمیت، ص. ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۴.

Abrahamov, "Islamic Theology", p. 95, n. 9.
Abrahamov, "Islamic Theology", p. 95, n. 9.


بر طرف نظر فسان (بهشت) و (۳۴۵ق / ۹۵۰م) عجبیه نیز حکمی اهل بهشت و اهل روزخ باعث احتمالاً بارانی از عجب؛ مسیحیان است که خلاصاً از ایزفانیا و نمازی گامرسی آمد بود.
خلق و استمرار بهشت و دورزخ در کلام اسلامی

بر طبق عقیده اسلام که بر قرآن و حديث مبتنی است، بهشت و دورزخ باید از ابیت باشند در حالی که عقل توقف و تعطیلهم فعالیت را در آنها ازبنا می‌کنند که به نظر جهان به فنای آن می‌دوزند اما به عقیده ابوالهذیل این امر تنها به زوال تحرک سکانس و هنوز حتی لذت با عقابشان دالات دارد. این است که همچنان به نظر می‌رسد که ابوالهذیل در باب ابتدای عقاب مرتكبان کیبر می‌کند که آن به نکره دانی به تعالیف معنی‌زده ملت بوده است.

ابن حزم دیدگاه ابوالهذیل را به این سبب رد می‌کند که معتقد است که آنچه وجودش فعالیت نیافته شئ نیست و از این رو نمی‌تواند به شمارش باید. در ترتیب، تنها حرکات اهل بهشت و اهل دورزخ که به فعل در ان سه محدود و متناهی است. این توجه داشت که بر طبق نظر ابن حزم خدا می‌داند که بهشت و دورزخ اندانی هستند ابن حزم میان دو نوع (aparte ante) که با آن کلمات بیان شده نیست از آن این چنین تعبیر شده (aparte post) که این عقل قائل است: الف) از آن این چنین تعبیر شده (آیزال)، ابن عیسی قائل تصور است که جزئی و به شمارش در آمدید از آن وجود داشته باشند.

اما قابل تصور است که خدا در ابیت جزئی را بعد از جزئی بیافریند. خداوند می‌تواند شمار حرکات مردمان را ازون سازد. علاوه بر این، ابن حزم استدلال می‌کند که ابوالهذیل وجود لذت و نمی‌داند به گفتار و اینها می‌توانند با ادوار زمانی قابل شمارش اندازه گرفته شوند. به این ترتیب، ابوالهذیل به روش خودش رد می‌شود. همانند ابن عیسی قائل است. ابن حزم می‌افزاید که به حرکتی به معنای تحمل رنگ است هم‌اندیش شخصی مفروض و این وضعیت است که نمی‌توان برای اهل بهشت تصور کرد.

خلاصه

دیدیم که اکثر مسلمانان معتقد به آفرینش گذشته بهشت و دورزخ و وجود ابیت آنها هستند. نیز اکثر مسلمانان قائل به یکی بودن جنات و بهشت‌اند. فقط دیدگاه

1. من در اینجا از استدلالات که کارمندان در آنها مسنون است مشخصات کتابشناسی داریم. معادل فلسفی داده است.
2. Metaphysica, XI, 10, 1086a 35.
3. ابن حزم، کتاب الفصل ج. 3، ص 81، اصل، حادي، ص 380.
4. ابن حزم، همان، ص 84 به بعد.

M. M. Marmura, Al-Ghazālī - The Incoherence of the Philosophers, Provo, Utah 1997, index.
ابن قیم الجوزیه که مبتینی بر تعالیم ابن تیمیه است از این میان مستثنی است که بربطق این نظر دوزخ نابود خواهد شد. اگرچه احتجاجات ابن قیم که ترکیبی از مطالب کلامی و حدیث است خذلی ناپذیر نیست ولی برای من بسیار متقاعد کننده است. ابن شخصیت برجسته جنبی و محققی که عقیده معتزله در باب یافتن غرض برای اعمال خداوند را بذیرفت، تقریباً شخصیتی مستثنی است اما روی هیمنه در محافل اهل سنی ناشناخته نیست. یک بحث خلق بهشت و دوزخ و فنا آنها همراه با دیگر بحث‌های کلامی مستلزم بررسی‌های مختلف آیات قرآن و احادیث است که بالطبع سیزوار تحقيقات جداگانه‌ای است. ظاهرآ تمايلات کلامی که گفته آدم سبب تفاسیر متفاوت این آیات و احادیث شده است. همچنین برخی‌های کلامی برگرفته از اصول کلی کلامی است. به عنوان مثال، معتزلیان که معتقد به مکمل بودن افعال خدا به اغراضی نتیجه‌گیری‌های گرفته‌اند که چون بهشت و دوزخ در حال حاضر هیچ کارکردی ندارد، آن دو در آخرت، آخر و در خواهد شد. ابن برخیانی برگرفته از آنج جهت است. نیز ابن عقیده که مهر و لطف خداوند هرگز پایان نمی‌بیفند، مستلزم بهشت و فنای دوزخ را از دیدگاه الهی حل می‌کند. علاوه بر این، دیدگاه جهان در باب غیر ممکن بودن سلسله نامه‌ای اشیاء به شمارش در آمد، برخیانی برگرفته از الهیت جهان است. و سرانجام خداگراپی فطری انسان که ابن قیم از آنج استتفاده کرد تا امکان تطهیر کافران را اثبات کند، ممکن است برخیانی برگرفته از فطرت انسان تمایده شود. در خاتمه، ابن مقاله کوشیده است تا برخیانی اساسی مورد بحث در این موضوع را فراهم آورد. امیدوارم که تحقيقات آینده فهم ما را از این مسائل زیادتر سازد.